

زاویه

احمد پورنجاتی، **سعید معیدفر** و **مهدی دوانگری** از کنش‌های مدنی کنونی می‌گویند

دولت وملت همسومی شوند؟

عسل عباسیان

را گرفته است. امیدوارم این‌ موضوع تبدیل به یک‌هنگار با جامعه ما شود و دیگر این‌ عادت نگاه به بالا برای حل‌وفصل مشکلات، از بین رفته و جای خود را به رویکردی بدهد که در آن مشکلات جامعه توسط خود جامعه حل می‌شود و نه صرفاً توسط دولتمردان.» پورنجاتی رخ دادن «سین‌هشتم» را چنین تحلیل می‌کند: «صرف‌نظر از اینکه در فرآیند حل مساله بی‌خانمان‌ها، نهادهای بوروکراتیک چه مسوولیتی برعهده دارند، این اتفاق خودجوش، باید به‌صورت فرآیندی مداوم باشد و نه اینکه جرقه‌ای باشد در برهه‌ای، که اگر تداوم یابد و با تدبیر پیش برود، می‌تواند نوبدبخش این باشد که ما وارد فصل تازه‌ای از تاریخمان شده‌ایم و جامعه ایران، فصل تازه‌ای را در تکامل مدنی آغاز کرده است.» پورنجاتی سپس با اشاره به نامگذاری سال ۹۴، به عنوان سال «دولت و ملت، همدلی و هم‌زبانی» که بر همین رفتارهای مدنی و تعاملات تاکید دارد و «سین‌هشتم» هم به‌نوعی در راستای همین عنوان کام برمی‌دارد و محقق می‌شود، معتقد است: «امروز در آغاز سال ۹۴، با توجه به نامی که روی امسال گذاشته شده و جریان «سین‌هشتم»، نباید از روی جوگیری با اطمینان صد‌صد بگویم که هم‌اکنون جامعه ایران فصل تازه‌ای از بلوغ اجتماعی را با رفتارهای مدنی آغاز کرده است، بلکه به‌نظر من اگر آن قابلیت و ظرفیت در جامعه ما هم به‌لحاظ روانشناسی اجتماعی و هم به‌لحاظ بلوغ رفتاری وجود داشته باشد که این تلاش‌های داوطلبانه را به سرانجام برساند و همدلی را هرروز بیشتر کند، آن وقت در پایان سال ۹۴ می‌توان با یقین گفت که بله جامعه ما وارد فصل تازه‌ای از تاریخ خود شده است.» این نماینده اصلاح‌طلب مجلس ششم در ادامه می‌گوید: «به گمان من اگر یک‌حرکت سه‌وجهی برای پایش این جریان که خوشبختانه به همت افرادی که در چشم و دل مردم عزیزند آغاز شده، صورت گیرد، بی‌شک در پایان سال شاهد ورق‌خوردن برگ‌ی از تاریخمان خواهیم بود. وجه نخست این حرکت این است که پیشاهنگان این جریان، کاشکاش ناملایمات و بی‌مهری‌ها را تاب بیاورند و ضلع اول این پایش را مستحکم کنند. ضلع دوم این پایش باید سازمان‌های مردم‌نهادی باشند که به «یاعلی‌مده» این عزیزان هنرمند پاسخ می‌گویند و آنها را همیاری می‌دهند. اگر اتفاق و همتی که در مناسبت‌های مذهبی ما نظیر عاشورا رخ می‌دهد، در این جریان هم رخ دهد، بی‌شک شاهد اتفاقی کم‌نظیر خواهیم بود. در این جریان و برای تقویت ضلع دوم آن، حتی باید از نهادهای سنتی مردمی مثل حسینیه‌ها و مساجد هم یارگیری شود. ضلع‌سوم که قطعاً کمترین نقش را در قیاس با دواضلع دیگر خواهد داشت، دستگاه‌های اجرایی و سایر دستگاه‌ها هستند که اگر خیر مستقیمی نمی‌رسانند، همین که سنگ بر سر راه جریان نگذارند و مسیر را برای دواضلع دیگر هموار کنند، بزرگ‌ترین کمک را کرده‌اند. دولتمردان باید از احتیاطات و احتمالات امنیتی عبور کرده و با یک همدلی واقعی، همان‌طور که مقام‌عظم‌رهبری گفته‌اند، ضلع سوم این مثلث باشند تا در پایان سال پیش‌رو شاهد ورود جامعه مدنی ایران به دوران نوجوانی‌اش باشیم.»

مجلس برای اشاعه نوع دوستی همراه مردم است



مهدی دوانگری، نماینده کنونی مجلس که مثنی‌ای میانه‌رو دارد نیز درباره اقدامات اساندوستانه می‌گوید: «یکی از سیاست‌های جدی نظام و دولت در ادوار مختلف، همواره توجه به قشر محروم و نیازمند جامعه بوده و با وجود تلاش‌های زیادی که در همین‌راستا صورت گرفته، جا دارد کماکان به این بخش توجه ویژه شود. تا امروز بحث بنیاد مسکن را داشته‌ایم که توسط آن به بسیاری از اقشار محروم مسکن داده شده. کمیته امداد گاهگاهی برداشته. سازمان بهزیستی هم همین‌طور. مجلس هم همواره از این اقدامات حمایت کرده و خواهد کرد. در کنار این موضوع، کمک‌های مردمی را هم داریم که همیشه

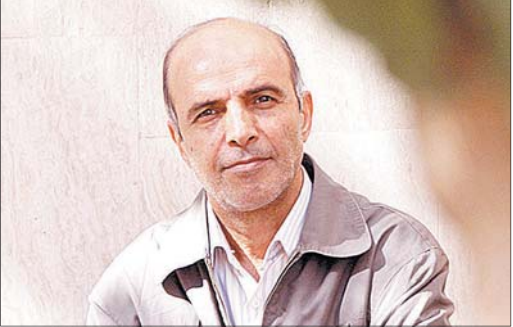
چه خوش بی مهربانی هردو سر بی

کیتی صفرزاده

زندگی برمی‌آیند، کمک و اطلاع‌رسانی برای کمک به شیرزنانی که یک تنه بار زندگی را به دوش می‌کشند یک کار صد‌درصد انسانی است. پس پاشنه ورمی‌کشید و ضمن اطلاع‌رسانی به هرکس که می‌شناسید، خودتان هم به نمایشگاهشان می‌روید و مقدار منتهایی ترشی خانگی و یک آب‌و شال پشمی بیداری می‌کنید. چندوقت بعد به این فکر می‌افتید که از آشنائیتان پرسید نمایشگاه بعدی کی و کجا برگزار می‌شود که مادر‌تان تماس می‌گیرد و می‌گوید یک آدمی که خیلی مورد وثوق است خانواده‌های آبرومندی می‌شناسد که با سبیلی صورتشان را سرخ نگه می‌دارند و اگر حتی پول هم ندارید اما پوشاک و لوازم بی‌استفاده‌ای دارید، می‌توانید با اهدایشان کمک کنید. البته هیچ‌کس هیچ‌وقت سراغ انسان‌های شریفی نمی‌رود که با سبیلی صورتشان را سرخ نگه می‌دارند و فقط از فکر کمک به این اشخاص خالص‌ان خوب است حتی اگر یکی از آن اشخاص همین باشد که امروز موقع سوارشدن به مترو پایش را لگد کردید و سرش داد زدید، چرا؟ چون حواستان به خواندن خبری بود که می‌گفت چنددانش‌آموز روستایی در غرب کشور در مسیر مدرسه‌شان روی مین رفته‌اند و دست‌وپایشان را از دست داده‌اند و دکتر اساندوستی عمل آنها را تقبل کرده اما برای ادامه روند معالجات به کمک‌های مردمی احتیاج است. بگردید است هیچ‌کدام از ما حداقل یکی از موارد بالا را در داشته‌عمرمان تجربه کرده‌باشیم. هرکدام از ما به علتی در یکی از این فعالیت‌ها مشارکت کرده‌ایم بعضی از ما صرف کمک‌کردن را کافی دانسته‌ایم و دیگر پیگیر بقیه ماجرا نشده‌ایم. بعضی پیگیری کرده‌ایم که نتیجه ماجرا چی شده. گاهی اوقات خوشحال شدیم که کار خیرمان به نتیجه رسیده - دیه فلان زندانی چور و آزاد شد- گاهی اوقات هم دیدیم که نتیجه ماجرا مابین تنش‌های سیاسی و درگیری‌های قومی و قبیله‌ای کم شد. شما چه جزو دسته آدم‌هایی باشید که انجام کار خیر وجدانشان را آسوده کند، چه جزو آن دسته‌ای که پیگیرانه هرماجراجایی را دنبال می‌کنند یا حتی اگر جزو آن دسته آدم‌هایی که با نگاه بدبینانه به هیچ‌پیام و شخصی اطمینان نمی‌کنند و ترجیح می‌دهند خودشان مستقیماً و شخصی‌کار خیر انجام دهند، به هرحال در خلوت خودتان با این سوال دست‌به‌گریبان شده‌اید که وقتی یک کار اساندوستانه انجام دادید-توجه بغیرماید که ما با دادن چندپیرک اسکناس، خودمان را

در این‌باره گفته شده بهداشت مقدم بر درمان است. هرقد در حوزه بهداشت اجتماعی سرمایه‌گذاری کنیم هزینه‌های درمان اجتماعی کاهش می‌یابد. اگر سرپناه‌دادن به بی‌خانمان‌ها امروز موردتوجه قرار نگیرد، مشکلاتی عدیده را در آینده‌ای نه‌چندان دور ایجاد خواهد کرد. ضمن تشکر از دستگاه‌های اجرایی دخیل در این قضیه نیاز است مردم و توانمندان به یاری این جریان‌ات بشتابند. ایجاد جریان «سین‌هشتم» به همین منظور توسط هنرمندان هم امر بسیار پسندیده‌ای است چون الگویی می‌تواند باشد برای سایر احاد مردم تا آنها نیز در این امر خدایپسندانه مشارکت داشته باشند.»

مردم، مطرودین را به جامعه بازمی‌گرداند



«سعید معیدفر»، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه علوم اجتماعی تهران هم درباره وضعیت کنونی جامعه ایران و زمینه‌های اجتماعی جریان‌ات خودجوش همدلانه می‌گوید: «مدت‌هاست که جامعه ما تا حد زیادی به حوزه اجتماعی توجه داشته و علاقه‌مندی خودش را برای ورود جدی به این عرصه نشان داده. اولین نمودش چهارسال پیش در حرکت بسیار زیبای چهارراه پارکوی که عده‌ای از جوان‌ها با تمیزکردن شیشه اتومبیل‌ها برای کودکان کار درخواست کمک کردند، خودجوش رخ داد. آن زمان خیلی از مسوولان جامعه که این حرکت زیبا را برتربایندند و نگران بودند که ممکن است با منافع آنها در تضاد باشد، عملاً با این برخورد رفتار درستی انجام ندادند و تلقی دیگری ایجاد شد در حالی که انصافاً حرکت، کاملاً اساندوستانه بود و تمایل جامعه را برای کمک به همنوعان نیازمند می‌رساند. پیش از آن هم فرصت‌هایی توسط برخی از ارگان‌ها ایجاد شده بود، مثل جشن نیکوکاری و جشن عاطفه‌ها. مردم در این سال‌ها به شکل‌های دیگر هم کمک‌های اساندوستانه داشته‌اند، با وجود محدودیت‌هایی که وجود دارد، به‌طور متعدد آن‌جی‌اوهایی داریم. کشور ما با توجه به منطقه توجه بیشتری به هم‌نوع‌دوستی نشان می‌دهد منتها متأسفانه از سوی دولتمردان روی خوش نمی‌بیند. اگر پذیرش برای این‌نوع فعالیت‌ها بدون احساس خطر نسبت به آنها فراهم شود، تردید ندارم این نوع فعالیت‌ها به‌مراتب بیش از گذشته خواهد شد و می‌شود. این نوع همکاری‌ها حتی یک پشتوانه عظیمی برای دولت و برای حل مسایلی و مشکلات اجتماعی ایجاد خواهد کرد. مسایل و آسیب‌های اجتماعی همیشه مشکلشان ناشی از کمبودهای اقتصادی و فقر نیست، بخش عمده‌ای از آنها ناشی از طرد اجتماعی است. افراد آسیب‌دیده اعم از متکدیان یا کارتن‌خواب‌ها با همین طرد اجتماعی وضعیت ناخوشایندی دارند. باید افراد مرجع برای رفع این معضلات جلو بیایند که پشت‌سرشان مردم جلو بیایند و این انزوائی اجتماعی کنار برود تا مشکلات اجتماعی حل شود والا آسیب‌های اجتماعی صرفاً با مداخله دولت‌ها حل نمی‌شود، بلکه با همت مردم و با کمک افراد مهم حل خواهد شد. آنچه تا به حال مانع بوده، برخورد نامناسب دولت‌ها بوده که فکر می‌کردند خودش باید مشکلات را حل کنند. باید این موانع همکاری برداشته شود.» سعید معیدفر با توجه به نامگذاری سال ۹۴ و «همدلی و هم‌زبانی دولت و ملت» توسط مقام‌عظم‌رهبری نیز می‌گوید: «اش‌الله که این فرصت را ما مردم بتوانیم به واسطه جریانی همچون «سین‌هشتم» فراهم کنیم برای همکاری دولت و ملت برای حل فقر محروم و نیازمند جامعه بوده و با وجود با توجه به اینکه آیت‌الله‌هاشمی رفسنجانی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام هم در آخرین روزهای اسفند۹۳ تاکید کرده بودند که سال۹۴ باید سال همدلی باشد، به‌نظر می‌رسد عزم همه‌جانبه‌ای برای تغییر رفتار مدنی جامعه ایران ایجاد شده که باید ۱۴ماه منتظر ماند و در پایان سال از عیار این «همدلی» معدل گرفت.

زندگی دیگران

بنیادهای خیریه افرادمشهور

هلیا آبادی؛ یکی از تفاوت‌های فعالیت‌های خیریه در ایران با دیگر کشورها انجام کارهای خیریه به‌صورت فردی و گذراست. در دوره‌ای افراد، شخصیت‌ها و ستاره‌ها به هر دلیلی کاری را آغاز می‌شود نه‌چندان دور ایجاد خواهد کرد. ضمن تشکر از دستگاه‌های اجرایی دخیل در این قضیه نیاز است مردم و توانمندان به یاری این جریان‌ات بشتابند. ایجاد جریان «سین‌هشتم» به همین منظور توسط هنرمندان هم امر بسیار پسندیده‌ای است چون الگویی می‌تواند باشد برای سایر احاد مردم تا آنها نیز در این امر خدایپسندانه مشارکت داشته باشند.»

«سعید معیدفر»، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه علوم اجتماعی تهران هم درباره وضعیت کنونی جامعه ایران و زمینه‌های اجتماعی جریان‌ات خودجوش همدلانه می‌گوید: «مدت‌هاست که جامعه ما تا حد زیادی به حوزه اجتماعی توجه داشته و علاقه‌مندی خودش را برای ورود جدی به این عرصه نشان داده. اولین نمودش چهارسال پیش در حرکت بسیار زیبای چهارراه پارکوی که عده‌ای از جوان‌ها با تمیزکردن شیشه اتومبیل‌ها برای کودکان کار درخواست کمک کردند، خودجوش رخ داد. آن زمان خیلی از مسوولان جامعه که این حرکت زیبا را برتربایندند و نگران بودند که ممکن است با منافع آنها در تضاد باشد، عملاً با این برخورد رفتار درستی انجام ندادند و تلقی دیگری ایجاد شد در حالی که انصافاً حرکت، کاملاً اساندوستانه بود و تمایل جامعه را برای کمک به همنوعان نیازمند می‌رساند. پیش از آن هم فرصت‌هایی توسط برخی از ارگان‌ها ایجاد شده بود، مثل جشن نیکوکاری و جشن عاطفه‌ها. مردم در این سال‌ها به شکل‌های دیگر هم کمک‌های اساندوستانه داشته‌اند، با وجود محدودیت‌هایی که وجود دارد، به‌طور متعدد آن‌جی‌اوهایی داریم. کشور ما با توجه به منطقه توجه بیشتری به هم‌نوع‌دوستی نشان می‌دهد منتها متأسفانه از سوی دولتمردان روی خوش نمی‌بیند. اگر پذیرش برای این‌نوع فعالیت‌ها بدون احساس خطر نسبت به آنها فراهم شود، تردید ندارم این نوع فعالیت‌ها به‌مراتب بیش از گذشته خواهد شد و می‌شود. این نوع همکاری‌ها حتی یک پشتوانه عظیمی برای دولت و برای حل مسایلی و مشکلات اجتماعی ایجاد خواهد کرد. مسایل و آسیب‌های اجتماعی همیشه مشکلشان ناشی از کمبودهای اقتصادی و فقر نیست، بخش عمده‌ای از آنها ناشی از طرد اجتماعی است. افراد آسیب‌دیده اعم از متکدیان یا کارتن‌خواب‌ها با همین طرد اجتماعی وضعیت ناخوشایندی دارند. باید افراد مرجع برای رفع این معضلات جلو بیایند که پشت‌سرشان مردم جلو بیایند و این انزوائی اجتماعی کنار برود تا مشکلات اجتماعی حل شود والا آسیب‌های اجتماعی صرفاً با مداخله دولت‌ها حل نمی‌شود، بلکه با همت مردم و با کمک افراد مهم حل خواهد شد. آنچه تا به حال مانع بوده، برخورد نامناسب دولت‌ها بوده که فکر می‌کردند خودش باید مشکلات را حل کنند. باید این موانع همکاری برداشته شود.» سعید معیدفر با توجه به نامگذاری سال ۹۴ و «همدلی و هم‌زبانی دولت و ملت» توسط مقام‌عظم‌رهبری نیز می‌گوید: «اش‌الله که این فرصت را ما مردم بتوانیم به واسطه جریانی همچون «سین‌هشتم» فراهم کنیم برای همکاری دولت و ملت برای حل فقر محروم و نیازمند جامعه بوده و با وجود با توجه به اینکه آیت‌الله‌هاشمی رفسنجانی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام هم در آخرین روزهای اسفند۹۳ تاکید کرده بودند که سال۹۴ باید سال همدلی باشد، به‌نظر می‌رسد عزم همه‌جانبه‌ای برای تغییر رفتار مدنی جامعه ایران ایجاد شده که باید ۱۴ماه منتظر ماند و در پایان سال از عیار این «همدلی» معدل گرفت.

جهان هزینه خواهد کرد.
یا مثلاً لیونل مسی که در کودکی به‌دلیل نداشتن امکان مالی، خانواده‌اش نمی‌توانستند ماهی ۹۰۰ دلار بابت هزینه‌های درمان او پرداخت کنند، این روزها بنیادی خیریه تاسیس کرده است و خودش به انجام دیدار با کودکان بیمار و فقیر مشغول است. او در ابتدا موسسه‌ای را بنیان گذاشت که وظیفه‌اش شناسایی کودکان با مشکل هورمون رشد در آسیا و سپس ارزانتین بود تا بلکه دیگر کودکانی از این بیماری به سبب فقر رنج نبرد، اما کام مهم بعدی‌اش بالاترین‌رد کیفیت سرویس‌دهی به کودکان سراسر جهان بود که از سال۲۰۰۷ به‌صورت رسمی از طرف وی شروع شد. مسی به‌دنبال کودکانی با بیماری‌های خاص است و در این راه از هنر و توان پزشکان متخصص در گوشه‌گوشه دنیا بهره می‌برد. البته ساخت

پارک‌های فناوری و زمین‌های چمن در نقاط دورافتاده دنیا، بخشی دیگر از فعالیت‌های بنیاد مسی است. او جدای از کودکان بیمار، به وضع کودکان فقیر ولی بااستعداد هم می‌پردازد و در کنار بسیاری از بزرگان تاریخ ورزش، سفیر رسمی حسن‌نیت یونیسف است.

در همین حوالی

زمانی برای همراهی



مینو مرتاضی

برای یافتن راهکارهایی برای ساماندهی وضعیت زنان بی‌سرپناه باید به علل و عواملی که موجب بی‌سرپناهی زنان می‌شود توجه کرد. به نظر می‌رسد عواملی که موجب بی‌سرپناهی زنان می‌شود فقر، اعتیاد، خشونت‌های خانگی علیه زنان و نبود قوانین حمایت‌کننده از زنان در برابر چنین خشونت‌هایی است. یعنی با وجود اینکه زنان عمده‌ترین آسیب‌ها را از خشونت‌های خانگی می‌بینید ولی در قانون جرمی تحت عنوان «خشونت خانگی» نداریم و همچنین از آنجا که براساس قوانین خانواده در ایران زن در خانواده از جمع جهات تحت‌الحمایه مرد در نقش شوهر یا پدر قرار دارد، اگر پدر یا شوهری به دلایل متعدد از جمله اعتیاد، بیکاری یا بیماری‌های جسمی و روانی یا انحرافات جنسی از مسوولیتی حمایت زن یا دخترش شانه خالی کند یا زن و دختری به‌دلیل ناهنجاری‌های موجود در خانواده و فامیل دچار بحران‌های هویتی و تحقیر و تمسخر یا در معرض انواع خشونت‌های روانی و اقتصادی و فیزیکی و جنسی قرار گیرد نهایتاً می‌تواند منجر به بیرون‌راندن یا فرار زن‌ها، دختران از خانه و بی‌سرپناه‌شدن آنها شود. از آنجا که علاج واقعه را قبل از وقوع باید کرد، در وهله نخست باید با تدوین و تصویب قوانین حمایتی مربوط به تأمینات اجتماعی زنان مستقل بی‌سرپناه‌شدن او شد. و همچنین با تدوین و تصویب قوانین بازدارنده خشونت‌های خانگی را در زمره جرایم عمدی تلقی کرده و مورد پیگیری قانونی قرار داد و به‌این‌ترتیب کام‌های ابتدایی و اساسی برای جلوگیری از بی‌سرپناهی عمدی و غیرعمدی زنان برداشت. نابرابری‌ها و تبعیض‌های اجتماعی و اقتصادی باعث شده که زنان از منابع و درآمدهای ملی سهم کافی نداشته باشند. از این‌رو صرف‌نظر اندک‌جمعیت زنان مرفه صاحب‌مهارت و مالکیت، اکثریت زنان طبقه‌متوسط و نیمه‌مرفه و کم‌درآمد ایرانی که جمعیت زنان خانهدار را تشکیل می‌دهند، باوجود کار دایمی و یکنواخت و بی‌مزد و بیمه و بازنشتگی خانگی، ناگزیرند برای برخورداری از سرپناه که حق اولیه و طبیعی هرانسان است، چشم به دست قوت و بخششگر همسر یا پدر داشته باشند و در حسرت‌داشتن سرپناهی از آن خود، تن به شرایطی بدهند که نابرابری در توزیع منابع را در خانواده و جامعه نهادینه و بازتولید می‌کند.

بدیهی است که تأسیس خانه‌های امن برای سامان‌دادن زنان بی‌سرپناه ضروری است، اما با توجه به افزایش ضرب‌ب زنان بی‌سرپناه و فراری از خانه، اگر به ریشه‌ها توجه نشود، هرقدر خانه‌های امن و سلامت و بازپروری تأسیس شود، مشکل حل نخواهد شد. واقعیت این است که ریشه‌های بی‌سرپناهی دختران و زنان، در خانواده است و باید راهکاری اندیشید تا زنان و دختران در خانواده نیز بیش از اینکه تحت حمایت مرد یا پدر قرار داشته باشند، تحت حمایت پرقدرد قانون قرار گیرند. تجربه ثابت کرده است زنانی که دارای مهارت‌های شغلی و کاری هستند، تن به فرار و خیابان‌خوابی و خیابان‌گردی نمی‌دهند. تبعیض‌های جنسیتی و عدم‌توانمندسازی زنان و نداشتن تخصص و مهارت در کار، سبب شده زنان در شرایط بحران عاطفی و فرار از خانه، به ابتدایی‌ترین واسیله تأمین غذا و سرپناه، یعنی تن‌فروشی روی بیاورند. از این‌رو تا سیه‌ها مراکز آموزشی و مهارت‌یابی زنان می‌تواند وسیله خوبی برای خودباروری و سامان‌یابی زنان توسط زنان باشد. واقعیت این است که جامعه و خانواده مسوولیت و گناه بی‌سرپناهی زنان را برعهده نمی‌گیرد و به این قبیل زنان احترام نمی‌گذارد و حتی حمایت از آنها را با تحقیر و تبعیض درهم‌می‌آمیزد و کرامت انسانی آنها را بازپروری نمی‌کند. از نظر جامعه سوختن و ساختن برای زنان فضیلت محسوب می‌شود، اما دختران جوان این‌طور فکر نمی‌کنند. نکته مهم دیگر این است که دختران و زنان خشونت‌دیده برای درمان‌بودن از خشونت‌های واقع‌شده نمی‌توانند خودشان مستقیماً به خانه‌های سلامت یا خانه‌های امن مراجعه کنند و تا زنی به کوچه و خیابان آلوده نشود، نمی‌تواند از این خانه‌ها استفاده کند. باید راهی اندیشید که زنان بتوانند با مراجعه به این مراکز ابتدا بدون پرس‌وجو، پذیرش شوند و سپس اگر خلاف گفته‌هایشان ثابت شد به مرکز دیگر معرفی شوند. شهرداری‌ها و شورایاری‌های محلات با ایجاد خانه‌های ارزان‌قیمت و مراکز کار و مهارت‌آموزی و بازپروری می‌توانند کمک‌های خوبی برای پناه‌دادن به زنان، قبل از اینکه کاملاً بی‌سرپناه شوند، باشند. به‌نظر می‌رسد وجود خطوط تلفن و خدمات سيار اورژانس اجتماعی که هم‌اکنون برای زنان وجود دارد در کم‌کردن آمار زنان بی‌سرپناه موثر بوده است. می‌توان این خطوط و مراکز را به کمک نهادهای مدنی و خدمات داوطلبانه آنها افزایش داد و برای ساماندهی زنان بی‌سرپناه از آنها یاری گرفت.

